

روزنامه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، ورزشی صبح ایران

صاحب امتیاز و مدیرمسئول: مهدی رحمانیان

نشانی: تهران؛ میدان فاطمی، خیابان بهرام‌مصیری، پلاک ۲۲ • تلفن: ۵۴ و ۸۸۹۳۶۲۷۰ • شماره: ۸۸۹۲۴۶۷
تلفن آگهی‌ها: ۸۶۰۳۶۱۱۹ • تلفن امور آگهی‌های شهرستان‌ها: ۷-۰۴۴۰۱۹۸۰۵ • تلفن امور مشترکین: ۸۸۹۰۳۵۸۸
توزیع: شرکت پیام‌رسان سبز • تلفن: ۶۶۲۸۷۳۴۴ • چاپ: صمیم

# شتر

یکشنبه ۳۰ اردیبهشت ۱۴۰۲ • ۱۰ ذی‌القعدة ۱۴۴۵ • ۱۹ می ۲۰۲۴ • سال بیست‌ویکم • شماره ۱۲۰۴۸۳۷ • صفحه اذان ظهر تهران ۱۲:۰۱ • اذان مغرب فردا ۱۹:۲۶ • اذان صبح فردا ۲:۱۵ • طلوع آفتاب ۴:۵۶

#### شبکه‌خوانی

## زهرا خوشکام کنار علی حاتمی آرام گرفت

**شرق: پیکر زهرا خوشکام همسر زنده‌یاد علی**

**حاتمی و مادر لیلیا حاتمی صبح روز گذشته ۲۹**

اردیبهشت به خانه ابدی بدرقه شد. او در ۷۷ سالگی از

دنیا رفت. مراسم تشییع پیکر او بی‌هیچ تشریفات و

هیاهوی خاصی، تنها در حضور لیلیا حاتمی، علی

مصفا و فرزندان‌شان، نزدیکان و برخی سینماگران از

جمله احترام برومند، حامد بهداد، حمید نعمت‌الله،

بهناز جعفری، سعید خانی، جواد طوسی، هوشنگ

گلدکمانی به خانه ابدی بدرقه و در کنار زنده‌یاد علی

حاتمی به خاک سپرده شد.

او که پس از ازدواج با علی حاتمی، تنها در آثار همسرش

حضور داشت، پس از انقلاب کم‌کارتر شد. او در گفت‌ووبی

درباره حضورش در سینمای پیش و پس از انقلاب اشاره

کرد: «من درواقع قبل از ازدواجم، فقط حدود یک سال در

سینمای ایران کار کردم. سال ۵۰ که ازدواج کردم، انقلابی

در خودم به‌وجود آوردم. شرط ازدواجمان این نبود که کار

نکنم، اما هر دو ترجیح دادیم فقط در کارهای علی حضور

داشته باشیم. ما می‌خواستیم کانون گرم خانواده تشکیل

دهیم. به‌خصوص که من سه ماه بعد از ازدواج هم

باردار شدم و دیگر نتوانستم تا مدتی کار کنم. همان زمان

که ازدواج کردم، ۱۵ فرارداد ۲۰۰ هزار تومان‌ی داشتیم که

آن زمان قراردادهای واقعا گرانی محسوب می‌شد. با ۲۰۰

تومان می‌شد یک آپارتمان ۲۰۰،۳۰۰ متری در منطقه‌های

خوب تهران خرید. ولی با وجود این، همه را پس دادم و

پیش‌قسط‌هایی که گرفته بودم را حتی برگرداندم و دیگر

کار نکردم. یک جور تبادل‌نظر و همفکری که توافقی بین من

و همسرم بود که نتیجه‌اش این شد که پس از آن، فقط

در فیلم‌های او بازی کنم. متأسفانه مسئولان وقت هیچ

توجهی به سابقه کاری و شخصیت حرفه‌ای من نداشتند

و براساس سلیقه تصمیم گرفتند. چند سال بعد از انقلاب،

ما در حال ساخت دکور شهرک سینمایی ایتالیا بودیم و

هنرینه‌های بسیار کردیم. وقتی برگشتیم، آنجا را کلتک

زدیم و همین‌طورکه علی مشغول ساخت شهرک بود،

کار «هزاردستان» را هم در کاخ گلستان پیش می‌برد. دو،

سه سال کار کردیم. این وسط وقفه‌هایی هم بود. چون

مدیران مدام تغییر می‌کردند و باز تا می‌آمدند و بر مسند

می‌نشستند و تا پول بدهند برای پروژه، فیلم‌برداری چند

ماه متوقف می‌شد. ما نیسی از کار را فیلم‌برداری کرده

بودیم و من نقش مقابل آقای انتظامی را بازی می‌کردم.

یک‌دفعه نامه‌ای به دست آقای حاتمی از شبکه رسید که

از ممنوع‌بودن نمایش چهره من خبر می‌داد و در آن گفته

شده بود دیگر من در ادامه پروژه همکاری نداشته باشم.»

زهرا خوشکام طی سال‌های اخیر در فیلم‌هایی همچون

«شعله‌ور»، «طلاخون»، «در دنیای تو ساعت چند است»

و «سیمای زنی در دوردرست» بازی کرده و توانسته بود

رضایت منتقدان و مخاطبان را با بازی خود جلب کند.

متأسفانه سینمای ایران نتوانست از حضور بازیگری به این

توانمندی استفاده کند و این اتفاقی تلخ است.

یاد و نامش گرامی.

www.sharghdaily.com  aparat:tasvirshargh  telegram:SharghDaily  youtube:sharghdaily  twitter:sharghdaily  instagram:sharghdaily1

**شتر** روزنامه



۹ماه پس از استرداد الواح هخامنشی از آمریکا به ایران، سرانجام تعدادی از این کل‌نشته‌ها در موزه ملی ایران رونمایی شد.

عکس:محمد خواهی، ایسنا

# کدام سیل؟



پویانعمت‌اللهی

تلاش می‌کند؛ یعنی نوعی «کشاننده» به سوی هماهنگی بین شناخت‌های افراد وجود دارد.

در سیستم‌های بزرگی همچون سیستم شهرداری مشهد، معمولاً انواع و اقسام بحران‌ها امکان ظهور دارند. مدیریت بحران همواره باید آمادگی مواجهه با این بحران‌ها را در خود ایجاد کرده باشد. با توجه به اینکه پدیده سیل (ناشی از حجم زیاد بارش ناگهانی) پیش‌تر از سوی سازمان هواشناسی تا حدی پیش‌بینی شده بود، لذا نمی‌توان ادعا کرد که موقعیت مذکور کاملاً یكباره و ناگهانی حادث شده است.

از سوی دیگر، وقوع بحران‌ها چندان پایا نیست. به این منظور که بحرانی مانند سیل مشهد در عرض مدت کوتاهی رخ داده و سپس فروکش می‌کند. تمامی هنر مدیران بحران این است که در همین مدت کوتاه کار خود را به درستی انجام بدهند.

فستینگر می‌گوید ناهماهنگی به شکل‌های مختلف کاهش پیدا می‌کند. او سپس این شکل‌ها را بیان می‌کند. عجیب اینکه مدیر مذکور در همان مصاحبه کوتاه خود تمامی این شکل‌ها را بروز می‌دهد. فستینگر معتقد است انسان برای کاهش آن ناهماهنگی می‌تواند از طریق تغییر یکی از شناخت‌های ناهماهنگ یا کاهش دادن اهمیت شناخت‌های ناهماهنگ یا کسب حمایت‌های اجتماعی اقدام کند.

مدیر معزول نیز چنین کرده است. او می‌خواهد یکی از شناخت‌های ناهماهنگ خود را تغییر دهد و بنابراین بیان می‌کند که اساساً سیل اتفاق نیفتاده است. او همچنین می‌خواهد آن شناخت ناهمساز را

#### زمین‌خوانی

## چرا سیلاب مشهد خسارت بار شد؟



مهدی زارع



۹ماه پس از استرداد الواح هخامنشی از آمریکا به ایران، سرانجام تعدادی از این کل‌نشته‌ها در موزه ملی ایران رونمایی شد.

عکس:محمد خواهی، ایسنا

www.sharghdaily.com  aparat:tasvirshargh  telegram:SharghDaily  youtube:sharghdaily  twitter:sharghdaily  instagram:sharghdaily1

**شتر** روزنامه

کم‌اهمیت جلوه دهد و در نتیجه می‌گوید که یک آب‌گرفتگی جزئی بوده و ماشین‌هایی که روی سطح آب می‌رقصد، گویا ماشین‌های کارتتی و کاغذی بوده‌اند. این مدیر وقتی می‌خواهد حمایت اجتماعی کسب کند، می‌گوید همه دنیا همین‌گونه است و حتی شهر مدرنی همچون دوبی هم مشابه این اتفاق را تجربه کرده است.

مفسران اعتقاد دارند ناهماهنگی شناختی از دو جنبه برخوردار است؛

یکی ادراک‌گزینی است که افراد در آن دارای این ویژگی می‌شوند که

فقط اطلاعاتی را مورد توجه قرار می‌دهند که از روش «پیش‌انتخاب‌شده»

آنها تبعیت کرده و این امر دیدگاهی ناقص درباره واقعیت برای آنها ایجاد

می‌کند. جنبه دیگر نیز با عنوان تصمیم‌گیری‌گزینش شناخته می‌شود؛

ایسن پدیده زمانی رخ می‌دهد که فرد به روش خاصی در تصمیم‌گیری

وابسته می‌شود. این دو موقعیت را می‌توان در فایل مصاحبه این مسئول شهرداری مشهد رصد کرد.

پرواضح است که این مدیر، دچار ناهماهنگی شناختی شده است. این فرایندی برای حل‌وفصل خطاهایی است که در سیستم باورهای او رخ داده

است. شهر را آب برده واین مدیر دست به انکار پدیده‌ای می‌زند که میلیون‌ها

نفسر آن را تجربه کرده و میلیاردها نفر آن را دیده‌اند. چرا چنین می‌کند؟ او

می‌داند باید پاسخ‌گوی مدیران بالا دست خود و همچنین میلیون‌ها شهروند

مشهدی باشد. به همین خاطر به استدلال‌های انگیزشی متوسل می‌شود تا

فرایند هرچند سوگیرانه‌ای از رخ آن ناهماهنگی‌ها تأسیس کند.

اکنون سؤال این است که چرا این ناهمسازی‌ها را برون‌ریزی کرده و

به خبرنگار منتقل می‌کند؟

پاسخ احتمالاً این است که شکل‌گیری واقعیت اجتماعی فرد، رفتار وی در جامعه را دیکته می‌کند. بنابراین سؤیگری شناختی ممکن است به تحریف ادراکی، قضاوت نادرست و تفسیر غیرمنطقی منجر شود. شهر مشهد برای ما ایرانی‌ها شهری ویژه است. انتظار می‌رود مدیریت شهری آن از بالاترین استانداردها برخوردار بوده و به‌خصوص تصمیم‌گیران آن در حوزه مدیریت بحران، از جمله مدیران و کارشناسان طراز اول این حوزه باشند.

#### اتفاق خوانی

## مدارس جامانده از آموزش

سیدمصنور موسوی سوها؛ آموزش چه

در قالب برنامه‌های رسمی نظام‌های

آموزشی و چه برنامه‌های ضمنی و پنهان

و قصدنشده جاری در مدارس به‌طور

روزمره در حال اجراست؛ اما در دهه‌های

اخیر بخش اعظم یادگیری کسودگان و

نوجوانان، نه از روش‌های مرسوم بلکه از

گذرگاه تکنولوژی‌های جدید و ابزارهایی

که اساساً به قصد سرگرمی طراحی شده

بودند، انجام می‌شود.

مدارس به عنوان عاملان اجرایی

نظام‌های آموزشی از فاصله آموزش جا

مانده‌اند و شبکه‌های اجتماعی در این

عرصه میدان‌داری می‌کنند. در جوامعی

که ورود ابزارهای تکنولوژی به زندگی

شهروندان، به مرور زمان و کنترل‌شده

رخ داده است، دولت و نهادهای مدنی

تصمیماتی عقلتانی در جهت استفاده

بهبینه و کاستن از آسیب‌های احتمالی این

ابزارها اخذ کرده‌اند. اما در سایر جوامع

و از جمله ایران، ورود ی‌گباره و دسترسی

همگانی به گوشی‌های هوشمند و

ایت‌رنست همراه، نوعی از سردرگمی و

به‌هم‌ریختگی را ایجاد کرد که تبعات آن

گربینانگیر آموزش و دانش‌آموزان نیز شد.

کودکانی که شیفته صفحات رنگین

و نورانی گوشی‌های هوشمند شدند و

بدران و مادرانی که بدون هیچ آگاهی

این ابزار را در اختیار کودکان خردسال

قرار دادند، سن استفاده از گوشی‌های

هوشمند در خانواده‌های ایرانی بنا بر

مشاهدات عینی، حتی به دو، سه‌سالگی

می‌رسد و گاه والدین از سر بی‌حوصلگی

یا بنا بر اصرار کودکان، این ابزار را برای

فرزندانشان مهیا می‌کنند.

سؤال‌های مهم‌گیری پاندمی کرونا که

به تعطیلی مدارس و تدریس در فضای

مجازی انجامید، نقطه اوج این روند بود؛

غفلت تصمیم‌گیرندگان نظام آموزشی که

می‌توانست ظرفیت‌های موجود در فضای

مجازی را به یک فرصت در کنار سایر

ابزارهای آموزش مبدل کند. زمینه‌ساز

هرج‌ومرجی تمام‌عیار شد. آموزش به

سایه رفت و فضای مجازی و به‌طور

خاص شبکه‌های اجتماعی تمام فضای

موجود در زندگی کودکان و نوجوانان را به

خود اختصاص داد. طبق آمار رسمی مرکز

رسانه‌های دیجیتال، مدت زمان حضور در

فضای مجازی برای دانش‌آموزان بین پنج

تا ۹ ساعت در روز است که در مقایسه با

ساعات مفید آموزش رسمی برابر با حتی

بیشتر است!

هم‌زمان با به‌کارگیری ابزارهایی

همچون واقعیت افزوده و هوش

مصنوعی در نظام‌های مترقی آموزشی،

کودکان ما ساعت‌ها و روزها از زمان

ارزشمند خود را با چالش‌ها و هر آنچه

در فضای مجازی تزند می‌شود، صرف

می‌کنند. حتی درون مدارس از این روال

در امران نمانده و همراه‌داشتن گوشی

تلفن همراه به یکی از معضلات اصلی

مدارس تبدیل شده است. ناگفته بیادست

که علی‌رغم تلاش‌های صورت‌گرفته برای

جایگزینی نمونه‌های داخلی همچون بناد

و بله و رویکا برای شبکه‌های اجتماعی

اینستاگرام، تیک‌تاک و… موفقیت در خوری

حاصل نشده است؛ چه‌بسا تأکید بر

روش‌های سلبی، منجر به حساسیت و

جلب توجه بیشتر شده است. درحالی‌که

آموزش و اطلاع‌رسانی صحیح از طریق

والدین دانش‌آموزان می‌توانست کمک

شایانی به کنترل و بازدارندگی در داخل

خانه و با همراهی خانواده کند. اتفاقی

که تقویت هم‌زمان بنیه آموزش رسمی در

مدارس با بهره‌بردن از ابزارهای تکنولوژی

و محتوای درس و روش‌های کارآمد را

می‌طلبد؛ اما آنچه رخ داد با آنچه باید

فاصله بسیار دارد.

به جرئت می‌توان گفت که جز در

معدهود مدارس خاص غیردولتی و نمونه

و سمپاد، باقی مدارس به نوعی از گردونه

رقاقت با فضای مجازی و شبکه‌های

اجتماعی کنار زده شده‌اند و سایر مدارس

در شرایط موجود با امکانات در دسترس،

به هیچ عنوان ی‌یاری هم‌آوردی با این

رقیب جذاب و هیجان‌انگیز را ندارند.

راه‌های برون‌رفت از این وضعیت،

چندان سهل و ساده نیستند و البته

می‌توان به‌جای تمرکز بر ایسن بحران و

مدیریت آن، کم‌اگان شعار نزدیک به

قله‌های پیشرفت و دستیابی به حیات

طیبه را سر داد یا پرداخت به‌موقع حقوق

معلمان را دست‌آوردی عظیم محسوب

کرد یا اینکه با پذیرش شرایط بحرانی و

جلب نظر کارشناسان و متخصصان علوم

آموزشی، فارغ از جناح‌بندی و جریانات

سیاسی، به بازتعریف نقش و جایگاه

مدارس و ابزارهای تکنولوژی پرداخته و

مقدماتی را جهت خروج از رکود آموزشی

و پرورشی مدارس به کار بست.